

(مقاله پژوهشی)

بررسی نقوش زیورآلات زنان ترکمن (در ارتباط با آیین ازدواج)

آرزو آزاد*^۱، ابوتراب احمدپناه^۲

چکیده

در شمال شرق ایران، در منطقه‌ای از دشت گرگان مردمی زندگی می‌کردند به نام ترکمن‌ها که یکی از هنرهای زیبا و اصیل این قوم ساخت زیورآلاتی است سنگین و بزرگ، معمولاً از جنس طلا و نقره و مزین به سنگ‌های سرخ که در پس نقوش آنها باورهای عمیق و باستانی مردم این منطقه نهفته است.

این نوشتار تلاش دارد ضمن بیان مختصر تاریخچه و باورهای عامه مردم ترکمن، از زیورآلاتی که باعث تمایز زنان مجرد از زنان متأهل و نوعروسان می‌شود صحبت کند. همچنین به معنا و مفهوم نقوش این زیورآلات بپردازد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. آنچه از پژوهش پیش رو به دست آمد، این بود که این زیورآلات از جهتی معرف خانواده و طایفه بانوان هستند و مانند نشان خانوادگی عمل می‌کنند و از جهتی دیگر مراحل مختلف زندگی یک خانم در ارتباط با ازدواج (مثلاً: تجرد، تأهل و غیره) را نشان می‌دهند. تمامی نقوش این زیورآلات دارای بار معنایی هستند که عموماً اشاره به باروری و زایش دارند، یا مانند چشم‌زخم و باطل‌کننده سحر عمل می‌کنند. این زیورآلات به‌طور کلی برای دور کردن ارواح خبیثه و نیروهای شر به‌کار می‌روند.

کلیدواژگان

زیورآلات ترکمن، چشم‌زخم، ازدواج ترکمن‌ها، مفاهیم نقوش، نقوش زیورآلات

arezoograph@yahoo.com
ahmadp_a@modares.ac.ir.

۱. دانشجوی ارشد دانشکده هنر، رشته هنر. (نویسنده مسئول)
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

مقدمه

نقوش و فرم‌هایی که در زیورآلات زنان ترکمن به چشم می‌خورد، بسیار شاخص و مختص این سرزمین و متأثر از اقلیم، دین، باورها و اعتقادات مردم این منطقه هستند. سؤال این است که نقوش زیورهای که در ارتباط با آیین ازدواج هستند و باعث تفاوت بین زنان، دختران و نوجوانان می‌شوند، چه معنایی دارند؟ هدف این پژوهش آشنایی با زیورها و نقوش زیورهایی است که در مقاطع مختلف زندگی یک زن ترکمن به کار می‌روند و این تفاوت مقطع مربوط به آیین ازدواج است. زیوری که یک دختر ترکمن در زندگی روزانه خود و یا برای مجالس و مهمانی‌ها استفاده می‌کرده است، بعد از ازدواجش تغییر می‌کند و او آنها را کنار گذاشته، از نوع دیگری از زیور استفاده می‌کند. این زیورها نشان می‌دهند که یک دختر در دوره مجرد است یا ازدواج کرده یا نوجوان می‌باشد و یا اینکه متعلق به کدام قبیله و طایفه است. در بین ترکمن‌ها استفاده از زیورآلات را می‌توان از سه جنبه مذهبی، تزیینی و اقتصادی بررسی کرد و آنچه پرواضح است، جایگاه پراهمیت و کلیدی زنان در این قبایل است.

روش تحقیق

این مقاله بر روش توصیفی-تحلیلی مبتنی است و شیوه گردآوری اطلاعات آن به صورت اسنادی و کتابخانه ای است. رویکرد این پژوهش مروری است بر نقوش زیورآلاتی که بین زنان، دختران و نوجوانان ترکمن تفاوت ایجاد می‌کند. جامعه تحقیق شامل تصاویری است که در کتاب‌ها و منابع مکتوب وجود داشته‌اند. نمونه‌های تصویری غیرتصادفی و هدفمند انتخاب شده‌اند، نمونه‌هایی که نقوش آنها قابل تشخیص و مناسب برای معرفی باشند. از آنجایی که این مقاله به ریشه‌های این نقوش می‌پردازد، منابع مکتوب زیادی مورد بررسی قرار گرفت تا زیورآلاتی که مرتبط با موضوع هستند جداسازی شوند.

پیشینه

درباره قوم ترکمن و هنرهای آنها تا به حال کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده و تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، اما درخصوص نقوش به کاررفته در زیورآلاتی که مربوط به مراسم ازدواج هستند، منبع جامع و کاملی در دست نیست. منابعی را که برای این مقاله به کار رفته‌اند، می‌توان در دو گروه مربوط به تاریخچه ترکمن‌ها و باورها و رسوم آنها و گروه دیگری مربوط به زیورآلات و نحوه ساخت آنها و مفاهیم و نقوش آنها قرار داد.

درخصوص پایان‌نامه‌ها در این زمینه می‌توان به «تحلیلی بر نقوش و سمبل‌های گرافیکی و زیورآلات زنان ترکمن صحرا» در سال ۱۳۸۰، نوشته ایزدی‌نیا از دانشجویان دانشگاه تربیت‌مدرس اشاره کرد. همچنین کتاب نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها نوشته دردی اعظمی راد مربوط به

سال ۱۳۸۲ به معرفی زیورآلات زنان و دختران و آداب و رسوم مردم ترکمن می‌پردازد. زیورآلات ترکمن نوشته ابراهیم کلتی مربوط به سال ۱۳۸۲ نیز کتاب کوچکی است که به معرفی زیورها و تکنیک‌های ساخت آنها می‌پردازد. کتاب پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن نوشته محمدی مربوط به سال ۱۳۸۸ نیز در یک بخش از مطالبش به معرفی زیورآلات ترکمن‌ها می‌پردازد. پایان‌نامه «بررسی زیورآلات ترکمن و کاربرد شکل و فرم آنها در طراحی گلیم» نوشته اسماعیلی، دانشجوی کارشناسی فرش دانشگاه اردکان یزد، مربوط به سال ۱۳۹۰ است. در این نوشته‌ها محققان به معرفی قوم ترکمن و بررسی پوشاک و زیورآلات این قوم و معنای نقوش به‌کاررفته روی آنها می‌پردازند، اما تمایز و دسته‌بندی خاصی وجود ندارد که مشخص باشد بعضی از این زیورها توسط چه گروه خاصی (زنان، نوجوانان، دختران) استفاده می‌شوند. همچنین پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی دانشگاه هنر اصفهان نوشته عاطفه شهابی مربوط به سال ۱۳۹۲، با نام «بررسی مفاهیم و نقوش و فرم زیورآلات زنان ترکمن» را نیز می‌توان نام برد که اطلاعات مفید و جامعی درباره نقوش زیورآلات ترکمن ارائه می‌دهد، اما ما در این پژوهش بر زیورآلاتی که مختص گروه خاصی هستند، تمرکز می‌کنیم. کتاب «Turkmen Jewelry, silver ornaments from the Marshall and Marlyn R. Wolf collection» نوشته S. Diba, Leila مربوط به سال ۲۰۱۱ است که با همکاری موزه مترو پولیتن به چاپ رسیده است، این کتاب ۲۰۰ نوع از زیور ترکمن‌ها را از مجموع زیورآلات مارشال و مارلین آروولف معرفی می‌کند که متعلق به قرن ۱۹ و ۲۰ هستند و با کیفیت بالایی عکاسی شده‌اند. این کتاب به شیوه توصیفی زیورآلات را معرفی می‌کند و به هیچ‌گونه تحلیلی نمی‌پردازد. همچنین مقاله «تأثیر عقیده‌ها و باورهای دینی بر آرایه‌های زیورآلات ترکمن» که آن را مصطفی رستمی و طاهره میر در سال ۱۳۹۴ در مجله هنر و معماری در شماره ۴ به چاپ رسانده‌اند.

تاریخچه قوم ترکمن

ترکمن صحرا در شرق استان مازندران واقع شده‌است. این منطقه ناحیه وسیعی است که از طرف شمال به اتحاد جماهیر شوروی، از شرق به استان خراسان، از جنوب به کوه‌های البرز و شاهرود و دامغان و از مغرب به دریای خزر محدود می‌شود (جرجانی، ۱۳۸۲: ۱۳).

در کتاب جامع‌التواریخ، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از فردی به نام یافث^۱ به‌عنوان سرسلسله و جد بزرگ ترک‌ها و ترکمن‌ها یاد می‌کند. براساس این نوشته، یافث پسر حضرت نوح است و وقتی که نوح کوه زمین را بین فرزندان خود تقسیم می‌کند، مشرق‌زمین را به یافث می‌بخشد؛ بنابراین به نوشته این نویسنده یافث جد بزرگ تمام اقوام ترک است. یافث نوه‌ای به نام اغوز^۲ داشته

1. Yafes
2. Oqou3

است (جرجانی، ۱۳۸۲: ۱۳). اغوز صاحب شش فرزند می‌شود به نام‌های: آی‌خان (ماه)، گون‌خان (خورشید)، گوگ‌خان یا گونگ‌خان (آسمان)، ییلدزخان (ستاره)، طاق یا داغ‌خان (کوه) و دنگیزخان (دریا/ دریاچه).

این شش فرزند هرکدام صاحب چهار پسر می‌شوند و بدین ترتیب در مجموع ۲۴ طایفه اولیه ترکمن به وجود می‌آیند. به قول نویسنده تمام ترکمن‌های جهان از این ۲۴ طایفه مشتق شده‌اند (جرجانی، ۱۳۸۲: ۱۴).

آسیای مرکزی زیستگاه اصلی قبایل ترک و مغول محسوب می‌شود. درباره کلمه ترکستان به‌عنوان سرزمین ترکان در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: «ترکستان، سرزمین ترکان است. این نام اصولاً به سرزمینی اطلاق می‌شده که مسکن اصلی قوم ترک در آنجا بوده. تقریباً ایالت سین کیانگ یا ترکستان چین کنونی است، ولی بر اثر مهاجرت مستمر این قوم به طرف شرق و غرب رفته‌رفته قسمت اعظم آسیای مرکزی نام ترکستان به خود گرفت، چنانچه دامنه‌های جبال (تیانشان) و دره‌های علیای جیحون و سیحون، یعنی حوزه دریاچه‌های بالخاش و قره‌گول و ایسی‌گول و دره وانهار ایلی و چووقز لسو را در عهد باستان توران می‌گفتند. به تدریج ترکستان نامیده شد و هم‌اکنون ترکستان غربی یا ترکستان روسی نام دارد (لغتنامه دهخدا، ذیل حرف ت).

رفت‌وآمدهای ایلی در مناطق نام‌برده با تعیین مرزهای رسمی بین دو کشور ایران و روسیه مختل می‌شود و به تبع آن از نقل و انتقال‌های بزرگ ترکمن‌ها جلوگیری می‌شود و سرانجام ترکمن‌ها رفته‌رفته در چهارچوب قوانین هر کشوری اسکان یافته، در آنجا زندگی می‌کنند و بدین ترتیب تحت قوانین کشورها به حیات خود ادامه می‌دهند.

مراکز مهم جمعیتی ترکمن‌ها عبارت‌اند از گنبدکاووس، بندرترکمن، آق‌قلا، کلاله، مروا، تپه، داشلی‌برون و گمیشان که در تقسیمات کشوری جز استان مازندران محسوب می‌شوند و علاوه بر این ترکمن‌ها در منطقه شمال بجنورد، سرخس، دره‌گز و دیگر نواحی مرزی خراسان نیز ساکن هستند (جرجانی، ۱۳۸۲: ۱۷).

آداب و رسوم و باورهای عامه

ترکمن‌ها قبل از اسلام مانند سایر اقوام آسیای مرکزی تحت تأثیر اندیشه‌های مختلف مذهبی بوده‌اند (مانند بودایی، مانوی، شمنی، طبیعت‌پرستی) و باورهای خاصی داشته‌اند. اعتقاد به تقدس آب، ارواح نیاکان، نیروهای نامرئی و غیره.

این مسئله که در میان ترکان باستان اعتقاد به وجود یک خدای بزرگ و یگانه موجود بوده یا نه، هنوز با قطعیت به ثبوت نرسیده است. در منابع چینی می‌آید که بین کلیه سلسله‌هایی که در آسیای

میانه تشکیل دولت داده‌اند، اعتقاد به گوگ تنگری^۱، یعنی خدای آسمان، موجود بوده است (شهابی، ۱۳۹۲: ۱۸).

توجه به بعضی حیوانات به‌ویژه گرگ (قورت-بوری) و قوچ و همچنین عنصر آتش علاوه‌بر واقعیت‌های حاکم بر زندگی و حیات بیابانی گذشته ترکمن، ریشه در اعتقادات عهد شمنی آنها نیز می‌توانسته داشته باشد.

روحانیون شمنی بعضی از مراسم دین را شب‌ها در مقابل آتش انجام می‌دادند، چنان‌که ترکمن‌های چاروا (دامدار- کوچ‌رو) تا همین دهه‌های اخیر هنوز گوسفندان بیمار خود را برای شفا از زیر شعله‌های آتش عبور می‌دادند و تعدادی از زنان مسن ترکمن، خاموش کردن آتش را به‌صورت یکباره با آب گناهی بزرگ می‌دانستند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

ترکمن‌ها به سعد و نحس نیز اعتقاد زیادی داشتند و هنوز هم در مسائل مهم زندگی‌شان مثل کوچ، عروسی و سایر مجالسشان بسیار تاثیرگذار است. اعتقاد به چشم بد یا چشم‌نظر نیر در باورهایشان بسیار پررنگ است.

درخصوص دین ترکمن‌ها در منابع مختلف به این مسئله اشاره شده است که ترکمن‌ها قبل از اسلام پیرو آیین شمنیسم (که عناصر توت‌میزم^۲، آنیمیزم^۳ و ناتوریزم^۴ را در خود جمع کرده است) بوده‌اند (شهابی، ۱۳۹۲: ۱۶).

در قرن چهارم، حکومت قراختاییان^۵، اسلام را دین رسمی و ملی ترکان کرد و روند اسلامی شدن

۱. در بین ترکمن‌ها تانگری به معنی خداست. از نظر ترکمن‌ها دو چیز از تقدس برخوردار بوده است، یکی تانگری و دیگری خاقان. خان کوچک‌تر از خاقان است. در ماهیت خاقان (شاهنشاه) قدرت چندین خان (شاه) موجود می‌باشد. گروه نیز به این موضوع می‌پردازد و می‌گوید: «خان بزرگ که مظهر تانگری یعنی آسمانی است که جذبۀ خدایی دارد یا خدای آسمان است». بنابراین خان مظهر آسمان یعنی مظهر خداست (شهابی، ۱۳۹۲: ۲۱).

۲. درباره توت‌میزم با توجه به آنچه از پژوهش‌های خانم شهابی به دست آمد، می‌توان چنین گفت: در توت‌م‌گرایی اعتقادی به روح و جهانی دیگر وجود ندارد. هر طایفه و قبیله‌ای دارای توت‌م مخصوص خود هستند که اسم هر فرد با اسم توت‌م یکی است. در این نظام اعتقادی برای مهم‌ترین و برجسته‌ترین پدیده‌های طبیعی خصلت خدایی قایل می‌شوند و درحقیقت بین این پدیده‌های طبیعی و نیروهای حاکم بر آنها وحدت و عینیت وجود دارد (شهابی، ۱۳۹۲: ۱۶).

۳. آنیمیزم محصول دورانی است که شیوۀ زندگی و شکار و دامداری بر حیات اقتصادی انسان‌ها چیرگی داشت. پیروان این باور جهان را پر از صاحبان ناپیدا، ارواح و اجنه و دیوهای سیاه و سفید می‌پنداشتند و آیین‌های سحر و جادوگری در میان مردم نقش اساسی داشته است (شهابی، ۱۳۹۲: ۱۶).

۴. در ناتوریزم انسان‌های کشاورزی که به‌طور وسیعی وابسته و تحت تأثیر نیروهای طبیعی بوده‌اند، به پذیرش این باور گرایش پیدا کرده‌اند که به هستی‌ها و حوادث طبیعی چون آفتاب، زمین، آب و غیره نیروهای فوق‌العاده‌ای نسبت دهند و برای مهم‌ترین و برجسته‌ترین پدیده‌های طبیعی خصلت خدایی قایل شوند و درحقیقت بین این پدیده‌های طبیعی و نیروهای حاکم بر آنها وحدت و عینیت قایل شوند (شهابی، ۱۳۹۲: ۱۶).

۵. خان‌نشین قراختایی، قره‌ختایی یا قراختائیان یا قراختاییان (در بن‌مایه‌های چینی 西遼: لیائوی باختری). پادشاهی‌ای وابسته به قوم ختای بود که میان سال‌های ۱۱۲۴ تا ۱۲۱۸ میلادی در آسیای میانه برپا بود. این دودمان به دست یلو داشی-که رهبر بازماند دودمان لیائو که از میهن خود در شمال و شمال خاوری چین به آسیای میانه گریخته

در این منطقه شتابی دو چندان گرفت. از عوامل مهمی که در روند مسلمان شدن ترکان تأثیر بسزایی داشت، فعالیت‌های تبلیغی علما و صوفیانی بود که همراه کاروان‌های تجاری به مناطق ترک‌نشین اعزام می‌شدند و با توجه به شباهت‌های بین اسلام صوفیانه و شمنیسم، به مسلمانی ترکان همت گماشتند (شهابی، ۱۳۹۲: ۲۳).^۱

تأثیر اسلام در میان طوایف ترکمن گوناگون بوده است. قبایل و طوایفی که یکجا نشین بوده و قادر به اجرای مراسم مذهبی بودند، به گونه‌ای جدی‌تر اسلام را پذیرفته و به‌جا می‌آوردند. سرزمینی که ترکمن‌ها در آن زندگی می‌کردند به‌خاطر اقلیم خشک و بیابانی همیشه مشکل آب، زمین و مرتع داشته است. به همین دلیل در اسطوره‌های این قوم، آداب و رسوم فراوانی در ارتباط با درخواست باران از خداوند وجود دارد.

چنین رسم‌هایی از گذشته بسیار دور تاریخ بشر، گاه با گرمای ذوب‌کننده صحرا، باد سرد و خشک‌کننده سبیری ریگزارهای بلعنده، آمیزه پندارهایی را در روح ساده‌ی بیابانگرد می‌آفریند که ابتدایی‌ترین آن پرستش این مظاهر طبیعت است. آسمان بخشاینده است و باران مقدس‌ترین اشاره خدای نیلگون آن هم اوست که با قساوت خورشید تابانش، آخرین رطوبت هستی را از جاندار می‌رباید. یک پدیده هم خیر است و هم شر. از اینجاست که که خیر و شر در قالب خدایانش ظاهر می‌شوند. خیر و شر دو نیمه جهان هستی، تنگاتنگ و دست در گریبان هم تنیده‌اند و انسان مرعوب هر دوی آنهاست. خیر و شر هر دو پرستیده می‌شوند و آیینی چون شمنیسم (اعتقاد به ارواح خیر و شر) این پرستش را سامان می‌دهد (کسرائیان، عرشی، ۱۳۷۳: ۱۸).

زیورآلات ترکمن

زیورآلات ترکمن عموماً ترکیبی از نقره بود، به‌همراه سنگ‌های تزئینی کوچک و بزرگ که بیشتر رنگ قرمز داشتند. قرمزی این سنگ‌ها جدای انرژی بصری رنگ قرمز که نشانی از نشاط و شادابی است، برای دور کردن ارواح خبیثه استفاده می‌شد. زیرا نمادی از شعله آتش یا نور خورشید بود. این‌ها مواردی

بود- بنیاد نهاده‌شد. نایمان‌ها به رهبری کوچک‌خان در ۱۲۱۱ میلادی فرمانروایی این امپراتوری را به‌دست گرفتند و سرانجام این پادشاهی به دست مغول‌ها از میان رفت. زبان متداول این کشور ختایی و چینم بود. پایتختشان بلاساغون بود که امروزه در قرقیزستان جای دارد و دین‌های رواج‌دار در آن کنفوسیوس‌گرایی، بوداگرایی و اسلام بود (راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج دوم، امیرکبیر).

۱. شباهت‌هایی چون «اعتقاد به آخرت» با بقای روح در فلسفه شمن‌ها، «جهاد» با روح دلاوری ترکان، «دوزخ» با عذاب‌های خدایان و «قربانی کردن در راه خدا» با قربانی کردن برای ارواح تناسب داشت. آنچه مسلم است ترکان متمدن و شهری بیشتر تحت تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی قرار گرفتند، اما ترکان مهاجر و دور از تمدن شهری، باورهای شمنی خود را در زندگی با اعتقادات اسلامی سازگار کرده و آنها را حفظ کردند (شهابی، ۱۳۹۲: ۲۳).

بودند که ارواح بد را دور می‌کردند. این زیورآلات پر نقش و نگار چنان منحصر به فرد هستند که در میان دست‌ساخته‌های مختلف از سراسر دنیا کاملاً قابل تشخیص‌اند و هویت ثابت و ویژه‌ای دارند. درباره پیشینه این زیورها که چرا گاه بسیار بزرگ و سنگین هستند، یا چرا آویزهای پرصدای زیادی دارند، نظر قطعی موجود نیست، اما در مقاله پیش رو احتمالات را بررسی خواهیم کرد.

در ساخت زیورآلات ترکمن عموماً از نقره استفاده می‌شود، ولی از طلا به‌ندرت - آن هم برای طبقه اشرافی - استفاده می‌شده است. ترکمن‌ها بر این باورند که نقره خاصیت میکروب‌کشی دارد و به این علت زیورآلات خود را بیشتر از نقره می‌سازند و آن را به‌عنوان مرهم بر زخم‌های خود می‌گذارند (محمدی، ۱۳۸۸: ۹۵).

سنگ نیز در زیورآلات ترکمن همان جایگاه فلز را دارد و زرگر ترکمن بیشتر از سنگ‌های عقیق استفاده می‌کند. هنرمند ترکمن از رنگ قرمز به‌وفور در هنر خود استفاده می‌کند؛ زیرا این رنگ نماد نیروی جوانی و شادابی است (رستمی، میر، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

در گذشته این زیورآلات برای زن ترکمن تنها وسیله‌ای برای آراستن نبوده، بلکه ابزاری برای دفاع از خود به حساب می‌آمده است. در جنگ‌ها زنان ترکمن نیز دوشادوش مردانشان می‌جنگیدند و قبه نوک‌تیز، حکم کلاه خود را داشته و گل‌بقة بزرگ زنان و النگویی که از ساعد تا آرنج را می‌پوشاند، حکم سپر و زره را داشته است (رستمی، میر، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

به گمان گروهی، این زیورها نقش دعا و طلسم‌های محافظ را داشته‌اند، هرچند این نظریه به‌دلیل باورهای ترکمنان در مورد فلزات و باطل‌السحر بودن آنها به‌حقیقت نزدیک است.

ترکمنان می‌گویند: در زمان آغوزخان این زیورآلات قطعات زره جنگی مردان بوده‌اند و بعدها در زمان صلح تبدیل به زیورآلات زن‌ها شده‌اند. نیز گفته می‌شود که این زیورآلات را زنان برای رها کردن شوهرانشان از اسارت هدیه می‌دادند (کسرائیان، عرشی، ۱۳۷۳: ۲۵). زیورآلات اغلب برای خودآرایی بوده، ولی گاه ریشه‌های مذهبی نیز دارند، همچون بازوبندهایی که گاه به‌صورت فیروزه‌ای و آبی به کلاه و شانه کودک می‌آویختند (ایزدی‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۲).

زیورآلات ترکمن که امروزه زینت‌بخش موزه‌های سراسر جهان می‌باشد، دارای خصوصیتی است که آنها را منحصر به فرد و قابل تشخیص می‌کند. اندازه، صدا، حرکت و رنگ این زیورآلات بسیار چشمگیر است (alfiroz, 1975: 42).

اندازه‌هایشان بزرگ و وزنشان بسیار زیاد است و طبق گفته‌ها در منابع مختلف وزن زیورآلات یک عروس گاهی به ۱۷ الی ۱۸ کیلوگرم نیز می‌رسد. به‌خاطر وجود آویزها، زنجیرها و زنگوله‌ها که حرکت زیادی دارند، به‌تبع با کمترین حرکت صدای زیادی تولید می‌شود. از فلزات طلا و نقره و در ترکیب با شیشه‌های درخشان آبی و قرمز و سبز و عقیق جگری ساخته شده‌اند که در نور می‌درخشند.

این زیورآلات را براساس کاربردشان به ۳ گروه بزرگ تقسیم می‌کنند: ۱. زیورآلاتی که مربوط به سر هستند و در سر و پیشانی و موها یا در دوطرف کلاه وصل می‌شوند. ۲. زیورآلاتی که به لباس

متصل می‌شوند. ۳. زیورآلاتی که به صورت مجزا مورد استفاده قرار می‌گیرند. نقوش این زیورآلات نیز شامل نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی، سماوی، هندسی اسلیمی‌ها می‌شود.

اسامی زیورآلات زنان و دختران ترکمن

زیورآلاتی که به سر مربوط اند: قبه یا قوبا - قولاق چه یا قولاق جا - ینگسه‌لیک - آلبین‌شای (زیور پیشانی) - ماتلایلق - ایدرگیچ - ایگمه یا اگمه - سانجلق - سان‌سوله - آداملق
گیسوبندها: آسیق - ساچ‌اوجی - ساچباق، ساچلیق - ساچمونجوق، مونجوق - اورمه - چای‌بوبین
زیورآلات مربوط به لباس: گل‌یقه، گل‌یاخا - تنه‌جیر، تنه‌چر - چاپراز - چانگا - گنجیک - آگین‌لیک - طومار - کوموش‌پول، سکه - بازبند، بازوبند، قول‌باغ - آچارباغ - دوعاقاب - کیسه‌دعا - قاب‌طلسم - داغدان، دغدون - هیکل
زیورآلاتی که به صورت مجزا استفاده می‌شوند: زیور دستان: بیزلیک، بیزه‌لیک (دستبند) - اوزوق - بلزیک - بوزوک، بوزیک
زیور مربوط به گردن و جلو سینه: آمالگا - اشک بوکاو - قورساق چه - طوق - بوقاو، بوکاو - گردنی - آلاجا - قولاق حلقا - خلخال - قوشاق

اهمیت ازدواج میان ترکمن‌ها

واحدهای اجتماعی در بین عشایر ترکمن به ترتیب به اوی، اوبه، تیره طایفه و ایل تقسیم می‌شوند و در این میان مسئله ازدواج به عنوان یک مسئله حیاتی و ضروری در توسعه و گسترش این واحدها مورد توجه بوده، ترکمن‌ها برای توسعه قدرت خود و به منظور مصون ماندن از خطرات محیط به مسئله ازدواج و حتی تعدد زوجات فوق‌العاده اهمیت می‌دادند. ذکر این نکته هم ضروری است که در مراسم عروسی بین عشایر ترکمن ظریف‌ترین و مهمترین مسائل سنتی، خانوادگی و ایلی مطرح است. زیرا با ازدواج زن و مرد با هم پایه‌های اولیه یک اجتماع ساده، یعنی خانواده شکل می‌گیرد و به همان نسبت خانواده، تیره و طایفه گسترش و توسعه می‌یابند. با توجه به مسائل فوق در نظام عشیره‌ای و ایلی برای فرزند ذکور فوق‌العاده ارزش قائل شده‌اند؛ زیرا با تولد فرزند ذکور یک نفر به نیروی کاری و قدرت جنگی قبیله اضافه می‌شود و در این رابطه خانواده‌هایی که فرزندان بیشتری دارند، از قدرت و نیروی بیشتری برخوردارند؛ بنابراین مسئله ازدواج از مهمترین مسائل ساختار اجتماعی و اقتصادی ترکمن‌هاست. آنچه در مراسم عروسی عشایر ترکمن قابل توجه است، مشارکت همه اهالی محل قوم و خویشان در عروسی است. درحقیقت عروسی متعلق به خانه و خانواده داماد نبوده، بلکه تمامی افراد

«اوبه» میزبان مراسم عروسی می‌شوند و کلیه کارها و مسئولیت‌ها و نیز قسمتی از مخارج عروسی بین مردم ده سرشکن می‌شود. به این نوع مشارکت و همکاری در اصطلاح محلی «یاوار»^۱ گفته می‌شود. این کلمه همان مفهوم تعاون و همکاری را می‌دهد (ر.ک. جرجانی، زن ترکمن).

زیورآلات مرتبط با ازدواج

دختران ترکمن از سنین پایین از انواع زیورآلات استفاده می‌کنند و حتی لباس‌های آنها از کودکی با قطعات فلزی زیورمانند تزیین شده است که دارای بار معنایی و فرهنگی است؛ حتی گاهی مانند نشان خانوادگی، سمبل و معرف قوم قبیله آنهاست.

در مسیر ازدواج و در مراحل گوناگون آن، زیورآلات متفاوتی استفاده می‌شود که نشان‌دهنده مقطعی از زندگی اجتماعی زنان و دختران است. به‌طور مثال: سرپوش زنان ترکمن در هر مرحله‌ای از زندگی متفاوت است. در دوران کورکی بورک یا عرقچین است. در هنگام شرکت در مهمانی‌ها و عروسی‌ها قبه یا قباست که اگر دختر در مرحله نامزدی باشد، قبه او دارای تزیین پرنده‌شکلی است به نام «اوتاغه»؛ و در مراسم عروسی تاج عروس «آلین‌دانگی» نامیده می‌شود که هرکدام از این‌ها دارای اندازه و شکل ظاهری متفاوتی است که البته نقوش و مفاهیم خاص خود را دارد. در ادامه به شرح این زیورها خواهیم پرداخت:

آلین‌دانگی:

تاج عروس به الین نام خوانده می‌شود که از نی‌های بسیار باریک شبیه جارو بافته شده و دور آن را با پارچه می‌دوزند و زیور پیشانی عروس، یعنی «آلین‌شای» را به آن وصل می‌کنند. وقتی که دختران ازدواج می‌کنند، عرقچین^۲ را از سر برداشته و پیشانی‌بند را بر سر می‌گذارند که در نزد طوایف و قبایل گوناگون ترکمن به نام‌های مختلفی چون آنق، آلین‌دانگی، آل‌دانقی، آلانگی، هاساوا، هازاوا، توپی و هازابا شهرت دارد (محمدی، ۱۳۸۸: ۸۰).^۳

1. Yavar

۲. بورک یا عرقچین: نوعی کلاه دختران. به دختران ترکمنی که از این کلاه‌ها و بورک‌ها استفاده می‌کنند «بورو کلی قیز» می‌گویند و از نوع ساده آن پسرها و مردها موقع خواندن نماز استفاده می‌کنند. بورک از جنس پارچه است و دختران آن را سوزن‌دوزی می‌کنند و نقش‌های مختلفی دارد (اعظمی راد، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

۳. آن را زیر روسری یا چارقد می‌گذارند تا آن را محکم و ثابت نگه دارد و نشانه شوهردار بودن صاحب آن است و طی مراسمی خاص (به‌ظاهر بعد از چند بار امتناع از گذاشتن آن) با اصرار مادرشوهر (محمدی، ۱۳۸۸: ۸۰).



تصویر ۲. عروس ترکمن [۲۴]



تصویر ۱. عروس ترکمن [۲۶]



تصویر ۳. عروس ترکمن [۲۵]

قبه یا قوبا:

زیور کلاهی فلزی به شکل نیمکره است. دختران ترکمن تا قبل از ازدواج در هنگام شرکت در جشن‌ها و مهمانی‌ها استفاده می‌کنند. این زیور در مرکز خود دارای نیمکره‌ای هشت‌قسمتی است که شرابه‌ها و آویزهای زیبایی با نگین‌های سرخ از اطراف آن روی صورت و پیشانی آویزان می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). این قبه طوری به بورک متصل می‌شود که بخش انتهایی آن آزاد بود و هنگام دویدن یا راه رفتن صفحات تزئینی مزین به طلا در زمینه نقره‌ای با حرکات موزون و جلای خیره‌کننده‌اش چشم را به سوی خود جلب می‌کند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۳۶). قبه‌ها معمولاً دارای نگین‌های عقیق قرمز رنگی هستند که با قلم نقوشی بر روی آنها حکاکی شده است. در مرکز قبه در بالای نیمکره آن زائده استوانه‌ای و توخالی کوچکی قرار می‌گیرد که گاه آویزها و شرابه‌های کوچکی از نوک آن آویخته می‌شود. در گذشته به هنگام نامزد شدن دختر در نوک توخالی قبه پر پرنده‌ای به نام «اوتاغه» قرار می‌دادند و به این دختر از آن پس «اوتاغلی قیز» می‌گفتند (محمدی، ۱۳۸۸: ۹۷).^۱

۱. امروزه قبه‌ها به دوشویه ساخته می‌شوند: الف) طلای برجسته یا ورق طلای برجسته یا ورق آندود به همراه سنگهای رنگین که خاص زنان متمول ترکمن یموت است. ب) شبکه طلا آندود سوراخ دار با آویزهای ماهی شکل و عقیق که مخصوص زنان و ساخت صنعتگران تکه است (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۳۵).

لازم است اشاره شود که به خود قبه زیورآلات مختلفی آویزان و متصل می‌شود که عبارت‌اند از: قولاق چه یا قولاق چا، ینگسه‌لیک، آلین‌شای.



تصویر ۴. زیور سر دختران یموت [۱۳]

آلین‌شای:

زیور پیشانی زنان و دختران ترکمن با هم متفاوت است؛ به طوری که دختران ترکمن از نیم‌تاج و زنان ترکمن از پیشانی‌بندهای مستطیل‌شکل استفاده می‌کنند. زیور پیشانی دختران ترکمن زیوری به شکل نیم‌تاج است که در بین دختران طایفه نخورئی و گوکلان به (هاواسا) و در بین دختران طایفه یموت به (توی) شهرت دارد. این زیور در جشن‌ها و محافل عروسی بر جلوی سر و پیشانی دختران بسته می‌شود و حالت تاج‌مانند آن جلو و اطراف سر دختران را می‌پوشاند.

همان‌طور که اشاره شد یک نوع این زیور را نیز زنان ترکمن در مجالس عروسی بر روی پیشانی خود می‌بندند. این زیور مستطیل‌شکل است و کاربردی مشابه نیم‌تاج دختران دارد، اما چون در زیر کرته بر روی کلاه حصیری بسته می‌شود، باید فاقد تاج باشد (محمدی، ۱۳۸۸: ۹۸). این زیور از تکه‌های متصل به هم طلا و نقره ساخته شده و با سنگ‌های گرانبهایی چون عقیق آراسته می‌گردد. لازم به ذکر است که آلین‌شای خود به کلاه زنان ترکمن متصل می‌شود، اما آویزهای آن روی پیشانی و در دو طرف صورت آویزان می‌شود (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۱۶). این زیور خود انواع مختلفی دارد که عبارت‌اند از: ماتلایلق، ایلدرگیچ، ایگمه یا آگمه و سانجلق.

۱. امروزه قبه‌ها به دو شیوه ساخته می‌شوند: الف) طلای برجسته یا ورق طلای برجسته یا ورق اندود به همراه سنگ‌های رنگین که خاص زنان متمول ترکمن یموت است. ب) شبکه طلا اندود سوراخ‌دار با آویزهای ماهی‌شکل و عقیق که مخصوص زنان و ساخت صنعتگران تکه است (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۳۵).



تصویر ۵. زیور سر دختران ترکمن [۱۱] تصویر ۶. زیور پیشانی [۲۷] تصویر ۷. زیور سر زنان ترکمن [۱۱]

ایگمه یا آگمه:

ایگمه زینت بخش سر زنان شوهردار و جافتاده و یا میانسال و مسن تکه است. ایگمه در حقیقت ورقه‌ای نیم‌دایره است که بر روی بوریگ بسته می‌شود (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۳۶).^۱



تصویر ۱۰. ایگمه [۱۱]

سان سوله:

وسیله‌ای برای زینت کلاه دختران مخصوص ترکمن‌های ارساری، متعلق به سال‌های ۱۸۸۰-۱۸۷۰ میلادی است. مجموعه‌ای از طلا و نقره با نگین‌های قرمز عقیق در انتهای آویزهای افشان. در این وسیله نیز زنگوله‌هایی از جنس نقره دیده می‌شود که از عوامل ایجاد آهنگ در هنگام بازی و راه رفتن است (اعظمی راد، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

۱. سربند طوایف تکه و گوکلان بزرگ‌تر از سربند زنان یموت است. زنان این طوایف از پوشال جارو برای سربند استفاده می‌کردند و دور پوشال را پارچه ابریشمی می‌دوختند. سپس بر روی آن از زیوری به نام آگمه استفاده می‌کردند. دو سر این زیور دارای قلاب‌هایی است که به کمک آنها یا بر روی کلاه حصیری زنانه دوخته می‌شود یا با بندی که از این دو حلقه می‌گذرد در پشت سر بسته می‌شود.



تصویر ۱۱. زیور سان سوله [۲۷]

آسیق:

به خانواده گیسویندها و آویزهای زینتی مخصوص موهای زنان جوان ترکمن آسیق گفته می‌شود. آسیق گاه زیوری زنجیرمانند، باریک و کشیده است که در آن گل‌های فلزی به صورت نواری در پی هم می‌آیند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). در وسط آسیق نیز نگین بزرگی از سنگ‌های قیمتی تعبیه می‌شود که رنگ آن غالباً قرمز یا جگری است. این زیور برای زنان و نعروسان ترکمن که گیسوان خود را پشت سر آویزان می‌کنند، استفاده می‌شود. برخی از آنها به قدری بزرگ است که کاملاً پشت کمر را می‌پوشانند. آسیق کوچک را آسیق جا می‌گویند. اگر اندازه آسیق بزرگ باشد، آن را علاوه بر بست به مو با بندی به گردن نیز می‌بندند تا سنگینی آن فقط بر مو وارد نشود. آسیق از تکه‌های کوچک به هم زنجیر شده‌اند که زنان طایفه یموت مورد استفاده قرار می‌دهند (کلته، پوری، ۱۳۸۲: ۲۴ و ۲۶).

برعکس دختران ترکمن که موهای خود را به صورت چهارتایی گیس می‌کنند، نعروسان و زنان شوهردار جوان ترکمن موهای خود را به صورت دورشته بافته و به پشت می‌اندازند که در این حالت به این رشته‌ها «هلی‌اوروم» یا «ایکی‌اوروم» گفته می‌شود و سپس روی آنها از یکی از انواع آسیق استفاده می‌کنند که گاه بلندی و بزرگی برخی از آنها کاملاً پشت کمر را می‌پوشاند. نوع دیگری از آسیق نیز میان زنان سالخورده ترکمن رایج است؛ به این صورت که آنها برای ساخت این زیور، دانه‌های درشت تسبیح، سکه‌های قدیمی و «دوومه» (گلوله‌های کوچک) را به نخ می‌کشند و آن را به‌عنوان زیور به انتهای گیسوان خود می‌بندند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).



تصویر ۱۲. زیور آسیق [۲۷]

ساج اوجی:

زیوری متعلق به دختران ترکمن که به‌عنوان زینت و زیبایی به انتهای گیسوان بافته شده متصل می‌شود.



تصویر ۱۳. ساج اوجی [۲۷]

ساج باق یا ساج لیق:

زیوری که توسط دختران ترکمن برای آرایش موها استفاده می‌شود، اما برخلاف آسیق، برای آرایش گیسوانی که در جلوی بدن بر روی سینه آویخته شده‌اند، استفاده می‌شود. در میان بعضی از تیره‌ها، دختران تا اوایل سن نوجوانی موی خود را نمی‌پوشانند که بی‌ارتباط با قرابت‌های نسبی ایلی و خویشاوندی افراد یک اوبه نبود، ولی اگر دختری در همین سن به عقد پسری درمی‌آمد، روسری مخصوص به نام «یاس بوغی» بر سر می‌نهاد، سپس اندکی بعد با برداشتن بوروک و نهادن آلاین دانگی، از انواع روسری‌ها از جمله چاشو، چارقد و باش بوغی می‌توانست استفاده کند.

چاپراز:

این زیور به صورت جفت و به شکل دوتکه بلند ساخته می‌شود. در دوطرف کت بلند دختران و زنان جوان از شانه تا کمر امتداد می‌یابد. ردیف منتهی به لبه را معمولاً با رشته‌ای به نام «یلیک» که به شکل برگ یا ماهی هستند، تزیین می‌کنند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۴).



تصویر ۱۵. چاپراز [۲۷]

تصویر ۱۴. چاپراز [۱۱]

آلگین لیک:

زیوری مخصوص دختران ترکمن است که بر روی دوش و لباس دختران دوخته و آویخته می‌شود.

کوموش پول یا سکه:

سکه‌های نقره درواقع بخشی از تزیینات لباس زنان ترکمن را تشکیل می‌دهند. زنان ترکمن این سکه‌های قدیمی را برای تزیین دوطرف لباس، آستین‌های کت، ساخت آویز برای موهایشان و بند بقچه نوعروس استفاده می‌کنند. در سال‌های اخیر ترکمن‌ها به‌جای سکه‌های قجری از سکه‌های دوره پهلوی (پهلوی اول) و اخیراً نیز از سکه‌های ۱۰ ریالی جهت تزیین پوشاک و یا زیورآلاتشان استفاده می‌کنند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۴۰-۲۳۴۱).

بازبند، بازوبند، قول باغ:

جزو زیورآلاتی است که از جنس طلا و نقره است و زنان جوان و دختران طایفه‌های تکه و یموت آن را بر بازو یا شانه کت خود می‌دوزند. بازوبندها به دو شکل دیده می‌شوند: ۱- به شکل مربع که دو شاخ قوچ از جنس نقره بر بالای آن نصب می‌شود. این بازوبند به قوچ بونیوز معروف است و معمولاً با آویزهای متعدد و زیبایی نیز آراسته می‌شود. ۲- بازوبندی به‌شکل دایره که تک نگین بزرگی در وسط آن جای می‌گیرد (کلتی، پوری، ۱۳۸۲: ۲۲).



تصویر ۱۶. بازوبند [۲۷]

بیزلیک یا بیزه لیک:

این زیور دستبندی است یکپارچه، بزرگ، پهن، سنگین، قطور و استوانه‌ای که به صورت جفت استفاده می‌شود. این زیور را زنان ازدواج کرده از طرف خانواده داماد هدیه می‌گیرند و بر دست می‌کنند. سطح بیرونی این زیور غالباً با طرح‌ها و نقش‌های مارپیچ و شاخ قوچی به صورت معرق یا تکه‌هایی از طلا و نقره، نگین‌های جگری خوش‌رنگ و سنگ‌های قیمتی چون عقیق، یاقوت، زمرد و فیروزه آراسته شده و در بعضی قسمت‌ها نیز نقوش ملیله‌کاری به آن اضافه می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۹۴؛ معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۴۳).

لازم به ذکر است این دستبند با توجه به محل ساختش نام‌هایی چون بوزلیک، بیله زیک، بوزه لیک و بزلق به خود گرفته است (محمدی ۱۳۸۸: ۱۵۲).



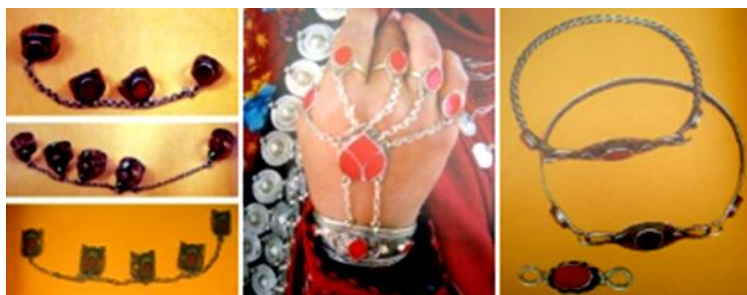
تصویر ۱۹. زیور بیزلیک [۲۷]

تصویر ۱۸. زیور بیزلیک [۱۳]

تصویر ۱۷. زیور بیزلیک [۲۷]

بوزیک:

انگشتی است که برای دختران جوان ترکمن هنگام ازدواج و پیمان زناشویی از سوی داماد خریداری می‌شود. اگر بدون نگین باشد، «حلقه» و اگر نگین‌دار باشد «بوزیک» نامیده می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۹۴).



تصویر ۲۰. بوزیک [۱۱]

آلاجا:

در دوران نامزدی برای مشخص شدن دختر نامزدشده در بین بقیه دخترها به رشته نخى به نام آلاجا سکه‌های مختلفی را وصل کرده و بر گردن نوعروس می‌اندازند. لازم است اشاره شود که این رسم امروزه تنها در بین یکی از طوایف ترکمن ساکن در جنوب کشور ترکمنستان (اتولی‌ها) دیده می‌شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

قوشاق:

کمربند را در زبان ترکی قوشاق گویند. استفاده از این کمربند به عنوان زیور در بین زنانی که از استطاعت مالی بالایی برخوردارند، رایج بوده است. این زیور، سنگین و توپر بوده، عرض برخی از آنها به ۱۰ سانتیمتر می‌رسیده است. هنجی قوشاق هم نوعی کمربند باریک بود که با گوی‌های کوچک همچون تسبیح درست می‌شد و غالباً دختران در مجالس رسمی به‌ویژه عروسی‌ها بر روی پیراهن می‌بستند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۴۴-۲۳۴۳).



تصویر ۲۱. زیور قوشاق [۱۱]

نقوش زیورآلات

با یک نگاه اجمالی به دست ساخته‌های ترکمن‌ها می‌توان دریافت که اغلب نقوش به‌کاررفته، ساده، هندسی و شکسته هستند. نقوش و فرم‌هایی که در زنان و دختران ترکمن به چشم می‌خورد، بسیار شاخص و تقریباً مختص این سرزمین می‌باشد و مهمترین خصوصیت آنها تعادل، تقارن و تکرار نقشمایه‌هاست که اساساً می‌توانند از باورهای جادویی و آیینی سرچشمه گرفته باشند. از آنجا که این نقوش در ۶ گروه اصلی جای می‌گیرند. برای جلوگیری از تکرار، همه نقوش را در این بخش معرفی و به بررسی بار معنایی آنها خواهیم پرداخت.

نقوش حیوانی

قوچ (شاخ قوچ): در بین اعتقادات توتمی اونقون‌های متعدد رایج در میان آغوزها (اعم از ترک و ترکمن، تعدادی از حیوانات در جایگاه ویژه‌ای قرار داشته‌اند. در رأس این حیوانات قوچ و سپس گرگ (بوری/قورت) بیش از بقیه مورد توجه بوده‌اند. این امر درحقیقت بازتاب زندگی بیابانگردی و کوچ ایلات و طوایف مختلف بوده است (معطوفی، ۱۳۸۳: ۱۸-۲۰). شاخ قوچ نشانه چادرنشینی و خود قوچ مظهر زاینده‌گی و باروری و قدرت است (بداغی، ۱۳۷۱: ۱۷) و از طرف دیگر این حیوان نقش بسزایی در تداوم حیات و دامپروری این قوم داشته است.



تصویر ۲۲. شاخ قوچ در زیورها [۲۷]

گرگ: گرگ در میان این اقوام مظهر تیزهوشی، نیرومندی، تهاجم، شجاعت و نیز در فولکلور و افسانه‌های آنها گاه برآورنده اجداد آنان بوده است. درحقیقت گرگ در داستان‌های ترکان قدیم به‌عنوان مادر، دایه، مربی، راهنما و سمبل میمنت و غلبه باقی مانده است. در دوران باستان گرگ و شیر در میان اقوام ترک رمزی از خورشید و تجسم حیوانی آن بود، گرگ به این دلیل که تمایل‌کننده خورشید بوده، در افسانه‌های اسطوره‌شناختی اساساً در کنار نور تصویر می‌شده است (شهبازی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).



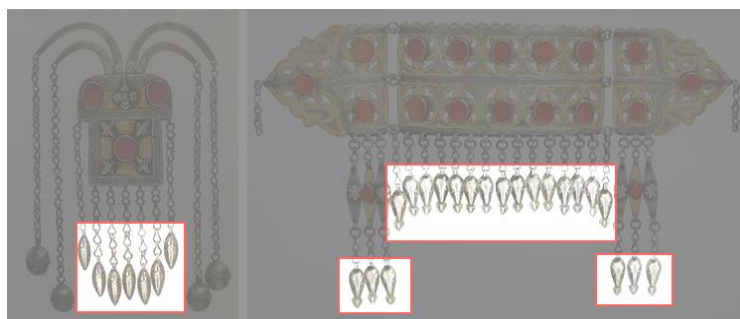
تصویر ۲۳. شاخ قوچ در زیورها [۱۳]

پرنده: از جمله نقوش در زیورآلات ترکمن نقش پرندگان است. گاه تنها سر و یا بال پرنده به چشم می‌خورد و گاه نیز به صورت یک جفت سر پرنده که در برخی موارد شبیه گریفین‌های باستانی فرش پازیریک است، دیده می‌شود. ترکمن‌ها به پرنده‌های شکاری علاقه خاصی داشته‌اند، به طوری که اکثر اونقون‌های طوایف ترکمن الهام گرفته از پرندگان شکاری بوده است و چون قدرت و شوکت این پرندگان را می‌ستودند، آنان را به عنوان نشانی برای قوم و قبیله خود برگزیدند. کالتر در کتاب خود می‌گوید: «مرغان و پرندگان دوسر (عقاب) در هزاره سوم قبل از میلاد در خاور نزدیک نماد پادشاه بوده و همچنین این نقوش در طلسم‌های مردم ترکستان نقش بازی می‌کنند (kalter1954, 134). ترکمن‌ها پرنده را نماد عروج می‌دانند و در مواردی پر پرنده نیز به عنوان نشانه‌ای از آن بر زیورها دیده شده است. اکثریت اسطوره‌ها درباره منشأ شمن‌ها، دخالت مستقیم خدا یا نماینده‌اش، عقاب یعنی پرنده آفتاب را مسلم می‌دانند. شاهین نیز که یکی از پرندگان مورد توجه ترکان بوده و با توجه به کتاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله از انقون‌های آنها هم بوده است، با دیگر پرنده‌های بلندپرواز، به‌طور گسترده‌ای با خدایان خورشید همراه است. شاهین نماد جسارت، قدرت و دلیری بوده است (هال، ۱۳۸۳: ۶۰).



تصویر ۲۴. نقش پرنده در زیورها [۱۱]

ماهی: این نماد به صورت انتزاعی به اشکال مختلف در انتهای اغلب زیورآلات به صورت آویزهایی دیده شده است. الیاده و کالتر نیز در خصوص نقش ماهی این چنین بیان کرده اند: «همان طور که از نقش حکاکی بر سنگ از ناحیه بین النهرین استنباط می شود، آب و رمز ماهی علامت باروری و آبستنی اند (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۹۰). این نقش نمادی از باروری مردانه و مذکر است (kalter1954, 134).



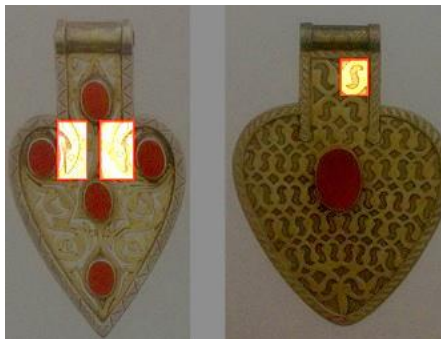
تصویر ۲۵. نقش ماهی [۲۷]

شتر: این حیوان نمادی از استقامت و تحمل است، در میان ترکمن ها از قداستی عجیب برخوردار است. همچنین به عنوان یک حیوان مبارک و خوش یمن برایش احترام قائلند.



تصویر ۲۶. نقش شتر [۱۱]

مار: مار در نقوش قلم‌زنی شده و در شکل مفتول‌های تزیینی به‌وفور یافت می‌شود. مار یکی از جانوارن قمری است. صفات بارور و باردار و آبستن کردن این جانور زمینی، که از مقتضیات سرنوشت قمری اوست، مایه اشتراک ماه و مار است که گاه با ماه کاملاً همانند شده است. به‌زعم میرچیا الیاده، بعضی اقوام معتقدند که ماه به هیئت مار، با دختران همبستر می‌شود. مثلاً دختران اسکیمو، جرئت نگاه کردن به مار را ندارند از بیم آنکه مبادا بار گیرند (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۵۵). در سنن و آداب عامه، مار، یار و مصاحب جادوگران و درمانگران است. به‌علاوه مشهور است که طلسم مار که واجد قدرت‌های جادویی و سحرآمیز است آدمی را از گزند جادوگران و اشباح مصون می‌دارد (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۶۷).



تصویر ۲۷. نقش مار [۲۷]

نقوش گیاهی

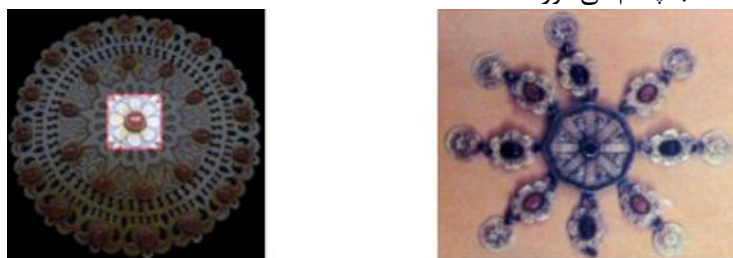
درخت: مفهوم درخت به‌مثابه منزلگاه ایزدان اساطیر ایرانی دیده می‌شود. درخت سرو تقدس ویژه‌ای دارد و نماد اهورامزدا یا هرمزد، ایزد برتر ایزدان ایرانی است. در هند درخت پرستی رواج گسترده‌ای داشت. در بسیاری از جوامع، مردم به ارواح کهنتری اعتقاد داشتند که منزلگاهشان درون درخت بود. آنها مسئول بهزیستی درختان ویژه خود و گاه مسئول گیاهان و حیوانات دیگر بودند و اگر آنها را

خشنود نمی ساختند، با آدم‌ها ستیز می کردند. آنهایی که شباهت بسیار به انسان داشتند، شاید کمتر ستیزه‌جو بودند. مثلاً اعراب باستان معتقد بودند که اجنه در درختان می‌زیند و در جاهای دیگر باور داشتند که اجنه‌ها در بیشه‌ها هستند و مخلوقات غول‌پیکری هستند که می‌توانند به شکل‌های مختلفی درآیند (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۶۳). انسان درخت را تجسم زمین، بهشت و دوزخ، بهشت گمشده و حتی سرچشمهٔ ابناء بشر و نماد جاودانگی می‌پنداشت. اساطیر پراکنده و گسترده‌ای سرچشمهٔ نژاد آدمی را از درخت وصف می‌کنند (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۶۴).



تصویر ۲۸. نقش درخت در زیورآلات [۲۷]

گل: گل‌های رزت (لوتوس) معمولاً به صورت ۵ تا ۹ برگی، به‌وفور در آویزها و قطعات مختلف زیورآلات به چشم می‌خورد.



تصویر ۲۹. نقش گل [۱۱]

انار: توپ‌ها و زنگوله‌هایی که از برخی زیورآلات مثل گوشواره‌ها و گردنبندها آویزان‌اند، اساساً نمایشی از انار هستند. تنوع این نقش‌مایه از روزگار باستان در ایران بسیار زیاد بوده است. وارنر انار را نماد باروری می‌داند، به‌خاطر دانه‌های متعددش (وارنر، ۱۳۸۶: ۲۳۸). انار به‌عنوان هدیه‌ای مردم‌پسند

در عروسی‌ها تقدیم می‌شود که حاکی از آرزوی زایش و داشتن فرزند است (معصومی، ۱۳۹۱: ۸۴۲).



تصویر ۳۰. نقش انار [۲۷]

نقوش انسانی

قلب: خپکوا در کتاب خود از این زیورها یاد کرده و می‌گوید: «آویزهایی به شکل قلب که برای تزیین گیسوان بافته ساخته می‌شدند، نزد دختران ترکمن بسیار محبوب بودند و آنها را نماد عشق پاک و راستین می‌دانستند (خپکوا، ۱۳۷۲: ۱۶۲). فرم قلب نیز از فرم‌هایی است که برای چشم‌زخم و نظرقربانی نیز کاربرد داشته است.



تصویر ۳۱. نقش قلب [۲۷]

فیگور انسان: فیگور انسان در زیورآلات بسیار انتزاعی و بیشتر در هیبت یک زن استفاده می‌شود. برای مثال در زیور داغدان فیگور انسانی واژگون، گاه با سر و گاه بدون سر دیده می‌شود و گاه نیز به صورت دو انسان بهم چسبیده واژگون به چشم می‌خورد (شهابی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).



تصویر ۳۲. نقش انسان در زیورها [۱۱]

نقوش سماوی

خورشید: خورشید از نقوشی است که در تمامی فرهنگ‌ها نقش بسزایی داشته، نماد آفرینش و ابدیت است. خورشید معمولاً در مقام پادشاه جهان بر زمین حکومت می‌کند و طبیعتاً برای کشاورزان ترکمن بسیار مهم و دیدن آن در نقوش زیورآلات معمول است.

ماه و ستاره: اصولاً زن ترکمن ستاره هشت‌پر را نشانه بخت و اقبال می‌داند و زرگر نیز این ستاره را به صورت فراوان بر زیورهای آنان حک می‌کند. ماه و خورشید را نشانه روشنایی و آورنده نور و روشنی به خانه می‌دانند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۴۸). نقشی که در زیورآلات ترکمن به کرات دیده می‌شود، نقش دایره‌ای است که دوایر کوچک‌تری گرد آن تکرار شده‌اند. معطوفی این نقش را ماه و ستاره‌های اطرافش تعبیر کرده است. همچنین فرم ستاره در درون یک هلال ماه در زیورآلاتشان به چشم می‌خورد که به قالب و به روش تپه‌ای ایجاد شده‌اند. به طور کلی فرم ماه و ستاره با تکنیک‌های مشبک‌کاری و تپه‌ای بر زیورآلات ترکمن نقش می‌بندند.



تصویر ۳۳. نقش ماه و ستاره در زیورها [۱۱]



تصویر ۳۴. نقش خورشید [۲۷]

نقوش هندسی

اسلیمی‌ها: نقوش اسلیمی با تکنیک مطلاکاری بر روی اکثر زیورآلات ترکمن اجرا شده‌اند و به دو دسته اسکندری و بخارایی تقسیم می‌شوند.

اسکندری‌ها: اسلیمی‌هایی را که به صورت پیوسته و منظم و با ترکیب‌های زیبا بر روی زیورآلات نقش می‌بندند، نقوش اسکندری می‌گویند که در بین ترکمن‌ها طرفداران بیشتری دارد (محمدقاسم، ۱۳۹۹: ۴).

بخارایی‌ها: اسلیمی‌هایی را که به صورت ناپیوسته و گسسته و گاه به صورت نقشی منفرد در کل کار اجرا می‌شود، بخارایی می‌گویند. این نقش بیشتر به صورت سرترنجی است که به صورت گسسته روی سطح زیور در جهات مختلف نقش می‌بندد (همان، ۴).

نقش داغدان (دغدن): در بعضی از زیورهای ترکمن‌ها در قسمت اتصال بین زیور و آویز نقشی وجود دارد که شبیه داغدان است.



تصویر ۳۵. نقش داغدان در زیورها [۱۱] تصویر ۳۶. بخارایی [۱۱] تصویر ۳۷. اسکندری [۱۱] تصویر ۳۸. اسلیمی [۲۷]

جدول ۱. جمع بندی زیورآلات متمایز کننده:

آلین دانگی:	مورد استفاده عروس
قبه یا قوبا:	مورد استفاده دختران
آلین شای:	به صورت نیم تاج مورد استفاده دختران، به صورت پیشانی بند مورد استفاده زنان
ایگمه یا آگمه:	مورد استفاده زنان شوهردار و جالفتاده و زن های مسن
سان سوله:	مورد استفاده دختران
آسیق:	تزئین موهای دوتایی بافته شده مورد استفاده دختران، برای تزئین موهای چهارتایی بافته شده مورد استفاده زنان
ساج اوجی:	مورد استفاده دختران
ساج باقی یا ساج لیق:	مورد استفاد دختران
چاپراز:	مورد استفاده دختران و زنان جوان
آلگین لیک:	مورد استفاده دختران
کوموش پول یا سکه:	مورد استفاده زنان
بازبند، بازوبند، قول باغ:	مورد استفاده دختران و زنان جوان
بیزلیک یا بیزه لیک:	مورد استفاده تازه عروسان
بوزیک:	مورد استفاده تازه عروسان
آلاجا:	مورد استفاده تازه عروسان
قوشاق:	مورد استفاده دختران

جدول ۲. جمع بندی نقوش موجود:

نقوش حیوانی	
قوچ یا شاخ قوچ:	نماد قدرت و باروری
گرگ:	نماد تیزهوشی، شجاعت و تهاجم
پرنده:	نماد قدرت و جسارت
ماهی:	نماد باروری و آبستنی
مار:	نماد باروری
شتر:	نماد خوش بمني

نقوش گیاهی	
انار:	نماد آرزوی زایش و فرزندآوری
درخت:	نماد جاودانگی و رستاخیز
گل:	نماد طراوت و زایش

نقوش انسانی	
قلب:	نماد عشق راستین
فیگور انسان:	اشاره به حضور انسان (بسیار انتزاعی)

نقوش هندسی	
بیشتر تکمیل‌کننده بصری نقوش دیگر هستند و به‌تنهایی در جایی به کار نرفته‌اند.	

نقوش سماوی	
خورشید:	نماد قدرت در جهان طبیعت
ماه و ستاره:	نماد خوش‌یمنی

نتیجه‌گیری

مراسم ازدواج در بین ترکمن‌ها از این جهت بسیار بااهمیت است که باعث گسترش خانواده و مصون ماندن از خطرات محیط می‌شود و همچنین با زیاد شدن افراد خانواده، نیروی کار خانواده نیز تقویت می‌شود. پس ورود یک زن به مرحله جدید از زندگی‌اش، یعنی ازدواج بااهمیت است. این امر با همکاری تمام افراد قبیله انجام می‌شود و فعالیتی محدود به عروس و داماد و خانواده آنها نیست. در پاسخ به پرسش درباره معنای نقوش زیورآلاتی که بین زنان و دختران و نوعروسان تفاوت ایجاد می‌کند می‌توان گفت، نقوش زیورآلات ترکمن‌ها در پنج گروه اصلی جای می‌گیرند: حیوانی، گیاهی، انسانی، سماوی و هندسی. نقوش و فرم‌هایی که در زیورآلات به چشم می‌خورند، اکثراً از باورهای جادویی و آیینی سرچشمه گرفته‌اند که ردپای آیین شمنیسم را می‌توان در آن دید. این نقوش یا نماد زایش و باروری هستند یا به‌عنوان باطل‌السحر و دفع چشم‌زخم استفاده می‌شوند و نقش حمایت از آدمی در برابر ارواح خبیثه را دارند. رنگ قرمز سنگ‌های زینتی این زیورآلات نامرتبط با این محتوا نیست. ارواح خبیثه از آتش و آنچه ویژگی‌های آتش را دارد، یعنی خورشید و رنگ سرخ فراری هستند. این زیورها بیشتر مربوط به سر و آرایش موها هستند و با یک نگاه اجمالی می‌توان گفت اکثر آنها حالت نشان را دارند. دختران کم سن و سال با استفاده از زیورآلاتی که به مو، کلاه یا لباس‌های خود می‌آویزند، نام قبیله یا طایفه خود را به همراه دارند و دخترانی که در مراحل نامزدی یا بعد از ازدواج هستند، بدین ترتیب این موضوع را اعلام می‌کنند.

منابع

- اعظمی راد، گنبد دردی (۱۳۸۲). *نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها*، چ اول، مشهد: مؤلف.
- امیدی، ناهید (۱۳۸۲). *دیده و دل و دست*، چ اول، مشهد: شرکت به‌نشر.
- ایزدی‌نیا، ملیسا (۱۳۸۲). «*تحلیلی بر نقوش و سمبل‌های گرافیکی پوشاک و زیورآلات زنان عشایر ترکمن صحرا*»، کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- بداعی، ذبیح‌الله (۱۳۷۱). *نیاز جان و فرش ترکمن*، چ اول، تهران: فرهنگیان.
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶). «*ترکمن‌های ایران ۴*». هنر و مردم، شماره ۶۰.
- جرجانی، موسی (۱۳۸۲). *زن ترکمن*، چ اول، تهران: مختوم‌قلی فراغی.
- خوپکوا، گالینا پوگا، خاکیموف، اکبر (۱۳۷۲). *هنر در آسیای مرکزی*، ترجمه ناهید کریم زندی، چ اول، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۸۷). *رمزهای زنده جان*، ترجمه جلال ستاری، چ سوم، تهران: مرکز.
- رستمی، مصطفی، میر، طاهره (۱۳۹۴). «*تأثیر عقیده‌ها و باورهای دینی بر آرایه‌های زیورآلات ترکمن*»، مطالعات هنر بومی، شماره ۴.
- رهبرنیا، زهرا، عزت‌الهی‌نژاد، طیبه (۱۳۹۴). «*آوای مو: انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی بومی در خودتزیینی زن ترکمنی روستای دویدوخ*»، پژوهش‌های انسان‌شناسی، شماره ۱.
- شهابی، عاطفه (۱۳۹۲). «*بررسی نقوش و مفاهیم زیورآلات زنان ترکمن*»، کارشناسی ارشد، صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان.
- صالحی، فرینا (۱۳۸۹). «*بررسی و ارتباط نقش و نگار زیورهای ترکمنی با دست‌بافته‌های آنها*»، کارشناسی ارشد، نقاشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۸). *۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی*، چ سوم، تهران: هیرمند.
- کسراییان، نصرالله، عرشی، زیبا (۱۳۷۳). *ترکمن‌های ایران*، چ دوم، تهران: مؤلف.
- کلته، ابراهیم، عبدالحمید (۱۳۸۲). *زیورآلات ترکمن*، چ اول، گنبدکاووس: ایل آرمان.
- کوپر، جی، سی (۱۳۸۶). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه گزماسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
- محمدی، رامونا (۱۳۸۸). *پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن*، چ اول، تهران: جمال هنر.
- محمدقاسم، مونا (۱۳۹۹). *mehrnews.com* پژوهشی در شناخت صنایع دستی شاخص استان گلستان).
- معصومی، غلامرضا (۱۳۹۱). *دایره‌المعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان*، ج دوم، چ اول، تهران: سوره مهر.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۳). *تاریخ فرهنگ و هنر ترکمنان*، چ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

وارنر، رکس (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، چ اول، تهران: اسطوره.
هال، جیمز (۱۳۸۳). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، چ دوم،
تهران: فرهنگ معاصر.

Banounews.ir (1398/10)

Golestan24.com (1398/10)

Bartarinha.ir (1398/10)

Diba, Layla.s (2011). *Turkmen Jewelry, Silver Ornament from the Marshall and Marlin R. Wolf Collection*, New York

Ala Firoz, Iran (1975). *Silver Ornament of the Turkoman*, Tehran. Iran

Kalter, Johannes (1954). *The Art and Craft of Turakestan*, Thames and Hudson, Germany